

تحریف‌های کشف شده حسابرسی و لحن گزارشگری مدیران: نقش میانجی کیفیت گزارشگری مالی

■ اعظم پوریوسف^۱

■ فرزانه نصیرزاده^۲

■ مهدی ثقفی^۳

چکیده:

تئوری‌های نمایندگی و اعتبار بخشی، توصیفی منطقی از نیاز شرکت‌ها به استفاده از خدمات حسابرسان ارائه نموده است. هرچند حسابرسان نقشی مهم در نظارت بر کیفیت گزارش‌های مالی ایفا می‌نمایند، اما این احتمال وجود دارد که مدیران به منظور پنهان نمودن نتایج ضعیف به دست آمده با تغییر در لحن گزارش‌های توضیحی به دنبال کنترل ادارک استفاده کنندگان از اطلاعات باشند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی‌گری کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین کشف تحریف‌های حسابرسی و لحن گزارش‌های توضیحی سالانه مدیران در محیط بازار سرمایه ایران می‌باشد. در این پژوهش از داده‌های ۱۱۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران طی دوره‌ای ۸ ساله (سال ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۰) با استفاده از داده‌های پنل جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. همچنین آزمون فرضیه‌ها با استفاده از مدل‌های رگرسیون خطی و آزمون سوبل صورت گرفته است. نتایج حاکی از آن است که با افزایش تلاش حسابرسان به منظور کشف تحریف‌های بااهمیت صورت‌های مالی، سطح اقلام تعهدی اختیاری کاهش یافته که این موضوع افزایش کیفیت گزارش‌های مالی را به همراه دارد. همچنین با کاهش در کیفیت گزارشگری مالی، مدیران اقدام به بکارگیری واژگان مثبت بیشتری در گزارش‌های توضیحی سالانه می‌نمایند. بدین ترتیب کیفیت گزارشگری مالی می‌تواند نقشی میانجی بر ارتباط بین کیفیت حسابرسی و لحن گزارش‌های توضیحی ایفا نماید.

واژگان کلیدی: کیفیت حسابرسی، لحن گزارشگری مالی، تئوری نمایندگی، کیفیت گزارشگری.

۱. استادیار حسابداری، گروه اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه پیام نور، ایران.

۲. دانشیار حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳. استادیار حسابداری، گروه اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه پیام نور، ایران. (نویسنده مسئول)، ایمیل:

saghafi.mahdi@pnu.ac.ir

۱- مقدمه

هدف از حسابرسی صورت‌های مالی را می‌توان اظهارنظر حسابرسان نسبت به درستی تهیه و ارائه صورت‌های مالی که از تمامی جنبه‌های با اهمیت منطبق با اصول متداول حسابداری باشد دانست که این نوع اظهار نظر و تأمین اطمینان موجب افزایش اعتبار صورت‌های مالی خواهد شد. از آنجایی که کیفیت حسابرسی را نمی‌توان قبل یا حین فرآیند حسابرسی مشاهده نمود، در پژوهش‌های مختلف از معیارهای متفاوتی همچون اندازه (علوی طبری و مراد خانی، ۱۳۹۴؛ حساس یگانه و آذین فر، ۱۳۸۹)، تخصص حسابرسی (گراملینگ و استون، ۲۰۰۱؛ ابراهیمی کردلر و جوانی قلندری، ۱۳۹۵) و انتشار گزارش غیرمقبول (چین و ساندگرن، ۲۰۰۹؛ گل و همکاران، ۲۰۰۹؛ رمضان احمدی و همکاران، ۱۳۹۴؛ رحمانی و طالب نیا، ۱۳۹۲) جهت سنجش کیفیت حسابرسی استفاده شده است. این در حالی است که حسابرسی به عمل آمده باید به گونه‌ای صورت گیرد که حسابرسان از نبود تحریف با اهمیت اطمینان کافی پیدا نمایند، چرا که تحریفات موجود در صورت‌های مالی یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش اعتماد استفاده‌کنندگان از اطلاعات می‌باشد که نه تنها ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد بلکه اعتبار حرفه را خدشه‌دار خواهد نمود. بنابراین کیفیت حسابرسی را می‌توان توانایی حسابرسان در کشف و گزارش تحریفات با اهمیت صورت‌های مالی دانست (دی آنجلو، ۱۹۸۱؛ دیویدسون و نیو، ۱۹۹۳). به همین دلیل بر خلاف پژوهش‌های گذشته معیار سنجش کیفیت حسابرسی در این پژوهش کمی بوده و نسبت موفقیت حسابرسان در کشف تحریفات با اهمیت به عنوان معیار کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده است. پژوهش‌های پیشین بیان می‌دارد که انجام حسابرسی با کیفیت بالا می‌تواند اطمینان از گزارش‌های مالی را به همراه داشته باشد. لذا، کیفیت حسابرسی تضمین‌کننده کیفیت گزارشگری مالی خواهد بود (دافند و ژانگ، ۲۰۱۴؛ بالا و همکاران، ۲۰۱۸)، گزارش‌های مالی با کیفیت به عنوان منبع اطلاعاتی مهم می‌تواند بهبود تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از اطلاعات را در پی داشته باشد (صفری‌گرایی و رعنائی، ۱۳۹۶). آنچه مدیران را به ارائه گزارش‌های مالی با کیفیت ترغیب می‌نماید، حسابرسان با کیفیت است که این امر نظارت و ارزیابی مالکان در خصوص عملکرد و فعالیت شرکت را تسهیل می‌نماید (صفری‌گرایی و دهقان، ۱۳۹۶). بیدل و همکاران (۲۰۰۹) بیان نمودند کیفیت بالای اطلاعات حسابداری می‌تواند باعث کاهش مدیریت سود شده و حتی از آن جلوگیری نماید. چرا که فرض بر این است، در شرکت‌هایی که کیفیت گزارشگری بالایی وجود دارد، اطلاعات با کیفیت تهیه می‌شود و در نتیجه سود ارائه شده توسط چنین سیستمی نیز با کیفیت خواهد بود. بطور خلاصه کیفیت حسابرسی بالا از طریق کاهش تقلب احتمالی مدیران و کاهش مدیریت سود، موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی شرکت در بلندمدت خواهد شد که این موضوع دقت اطلاعات حسابداری را افزایش داده و در نتیجه استفاده‌کنندگان از اطلاعات با اعتماد بیشتری نتایج عملکرد شرکت را تحلیل می‌نمایند (ممشلی و کارشناسان، ۱۳۹۸) و از آنجایی که صورت‌های مالی ارائه شده توسط شرکت‌ها از جمله مهم‌ترین منابع تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی است و حسابرسان نیز در این خصوص نقش

اعتباردهی بر عهده دارند، می‌توان گفت نقش حسابرسان بسیار با اهمیت است و زمانی می‌توان بیان داشت این نقش به خوبی ایفا شده که تحریف‌های حسابداری را تا حد امکان کشف نمایند، در این صورت است که فرآیند حسابرسی با کیفیت انجام شده است (رویایی و آذین فر، ۱۳۹۱). از سویی دیگر، غالباً چنین برداشت می‌گردد که گزارش‌های حسابداری فقط در قالب اعداد و ارقام ارائه می‌گردد، اما زبان گزارش‌های مالی در حقیقت وسیله‌ای است که شرکت‌ها از طریق آن بسیاری از اطلاعات خود را درباره عملکرد گذشته و برنامه‌های آتی پیش‌بینی شده خود ارائه می‌دهند (هالس و همکاران، ۲۰۱۱). لی (۲۰۰۸)، در پژوهش خود بیان داشت که لحن خوشبینانه (مثبت) گزارش‌های مالی شرکت‌ها باعث بهبود عملکرد شرکت گردیده و در نتیجه حجم معاملات سهام را افزایش می‌دهد. بنابراین می‌توان بیان داشت که لحن گزارش‌های مالی می‌تواند ابزاری در جهت انتقال پیام به استفاده‌کنندگان از اطلاعات باشد. داویس و همکاران (۲۰۱۲)، بیان داشتند مدیران از لحن خوشبینانه به منظور عاملی در جهت کاهش واکنش منفی بازار استفاده می‌نمایند. ملونی و همکاران (۲۰۱۶)، بیان داشتند مدیران به منظور انعکاس تصویری مطلوب از وضعیت شرکت خود از لحن مثبت بیشتری در گزارش‌های خود استفاده می‌نمایند. بنابراین وجود تضاد منافع بین مدیریت و مالکان این تئوری را تقویت می‌نماید که امکان دارد در تهیه گزارش‌های مدیریت صداقت و درستی رعایت نشده باشد. چرا که معمولاً مدیریت تمایل به افشاء عملکرد مثبت خود و پنهان نمودن ضعف‌های شرکت دارد. پورکریم و همکاران (۱۳۹۷)، بیان داشتند با کاهش مدیریت سود تعهدی، لحن بدبینانه گزارش‌های مالی نیز افزایش می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد که مدیریت سود می‌تواند لحن گزارش‌های توضیحی مدیریت را تحت تاثیر قرار دهد. در حقیقت جهت تحریف واقعیت و پنهان نمودن عملکرد ضعیف شرکت برای مدیران دو روش وجود دارد، تحریف اطلاعات و نیز استفاده از عبارات استعاری است. از آنجایی که تحریف اطلاعات با امکان کشف مواجه است، راحت‌ترین راه برای مدیریت استفاده از لحنی مثبت در گزارش‌های توضیحی است. بنابراین این احتمال وجود دارد مدیرانی که گزارش‌های مالی با کیفیت پایین‌تری ارائه می‌نمایند، با جهت دهی در لحن گزارش‌های توضیحی به دنبال پوشش ضعف‌های احتمالی موجود در شرکت باشند.

از آنجایی که توصیفی بودن زبان گزارش‌های متنی مدیران، می‌تواند موجب انحراف ادراک استفاده‌کنندگان از اطلاعات گردد و از طرفی استانداردهای حسابداری و حسابرسی مشخصی بر چگونگی تحریر گزارش‌های توضیحی مدیران وجود ندارد، انجام پژوهش‌هایی در این خصوص کمتر دیده شده و جای خالی چنین موضوعاتی، باتوجه به جایگاه ویژه گزارشگری مالی به خوبی احساس می‌شود. باتوجه به تجزیه و تحلیل گزارش‌های متنی مدیران، نتایج نشان خواهد داد که ویژگی‌های لحن گزارش‌های توضیحی مدیران به چه میزان منعکس‌کننده اعتبار منبع اطلاعات شرکت بوده و تا چه حد با توانایی حسابرسان در جهت کشف تحریف‌های حسابرسی مرتبط است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر جمع‌آوری شواهد و آشنایی با اثرگذاری کشف تحریفات حسابرسی بر کیفیت گزارش‌های مالی و واکنش مدیرانی است که گزارش‌های مالی با کیفیت بالا

یا پایین ارائه می‌نمایند می‌باشد، بدین معنی که کیفیت گزارش‌های مالی می‌تواند نقشی میانجی بر ارتباط بین کیفیت حسابداری و لحن گزارش‌های توضیحی مدیران ایفا نماید. بدین ترتیب این پژوهش بطور بالقوه بر تنظیم مقررات نظارت بر افشای اطلاعات می‌تواند تاثیرگذار بوده و آثار اقتصادی اطلاعات در محیط بازار سرمایه ایران را توسعه خواهد داد. بعلاوه نتایج حاصله می‌تواند به اعتبار منبع اطلاعات در ادبیات حسابداری و حسابداری کمک قابل توجهی نماید. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند انگیزه سایر پژوهشگران را برای بررسی‌های بیشتر پیرامون ابعاد رفتاری مدیران و گزارش‌های کیفی شرکت‌ها برانگیخته و اطلاعات مفیدی را از اهمیت گزارش‌های کیفی شرکت‌ها در اختیار قانون‌گذاران، تحلیل‌گران بازار سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابداری و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی و حسابداری قرار دهد. در ادامه، ضمن بیان پیشینه نظری و فرضیه‌های پژوهش به روش‌شناسی پژوهش اشاره شده و پس از ارائه یافته‌های پژوهش، به نتیجه‌گیری و بحث پیرامون آن پرداخته خواهد شد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- کشف تحریفات حسابداری و کیفیت گزارشگری مالی

به منظور سنجش کیفیت گزارشگری مالی مطابق با پژوهش‌های پیشین می‌توان از سطح اقلام تعهدی اختیاری استفاده نمود. واعظ و همکاران (۱۳۹۷)، بیان داشتند که یکی از بهترین معیارها برای سنجش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند کیفیت اقلام تعهدی باشد. اقلام تعهدی اختیاری نقش مهمی در مدیریت سود داشته و مدیران از طریق آن می‌توانند به اهدافشان در خصوص افزایش یا کاهش سود دست یابند (بهارمقدم و قائدی‌ها، ۱۳۹۴). در حقیقت اقلام تعهدی عامل ایجاد تفاوت بین سود و جریان وجوه نقد است، حال اگر در جریان وجوه نقد تغییر حاصل نگردد، تنها راه دستکاری سود می‌تواند اقلام تعهدی اختیاری باشد (بشیری منش و پاکدل، ۱۳۹۸). لاستگارتن و شون (۲۰۱۲) بیان داشتند، مدیران احتمالاً به دنبال افزایش اقلام تعهدی افزایش دهنده سود می‌باشند این در حالی که حسابرسان احتمالاً به دنبال کاهش آن می‌باشند. حسابرسان به منظور کاهش ریسک‌های دستیابی به اطلاعات قابل اطمینان، دامنه رسیدگی و کیفیت کار خود را افزایش داده تا از این طریق برآوردهای مدیریت را محدود و اقلام تعهدی را کاهش دهند (رشیدی باغی، ۱۳۹۸). علیخانی دهقی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود بیان داشتند، اطلاعات صورت‌های مالی قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی بالایی داشته و اقلام تعهدی با تقلب مدیریت در ارتباط است. گزارش‌های مالی با کیفیت بالا نسبت به گزارش‌های با کیفیت پایین اثر پذیری بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها دارد. چرا که افزایش کیفیت اطلاعات برای استفاده‌کنندگان برون سازمانی، باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و استفاده‌کنندگان می‌گردد (حبیب و همکاران، ۲۰۱۷؛ مهربان پور و همکاران، ۱۳۹۹)، بدین ترتیب امکان خطر اخلاقی و گزینش نادرست را کاهش داده و با کاهش هزینه‌های نظارت بر مدیران، کاهش ریسک و هزینه‌های تأمین مالی شرکت را در پی خواهد داشت. در حقیقت گزارش‌های مالی با کیفیت به عنوان

منبع اطلاعاتی مهم می‌تواند بهبود تصمیم‌گیری استفاده کنندگان از اطلاعات را در پی داشته باشد (صفری‌گرایی و رعنائی، ۱۳۹۶). آنچه مدیران را به ارائه گزارش‌های مالی با کیفیت ترغیب می‌نماید، حسابرسی با کیفیت است که این امر نظارت و ارزیابی مالکان در خصوص عملکرد و فعالیت شرکت را تسهیل می‌نماید (صفری‌گرایی و دهقان، ۱۳۹۶). بیدل و همکاران (۲۰۰۹) بیان نمودند کیفیت بالای اطلاعات حسابداری می‌تواند باعث کاهش مدیریت سود شده و حتی از آن جلوگیری نماید. چرا که فرض بر این است، در شرکت‌هایی که کیفیت گزارشگری بالایی وجود دارد، اطلاعات با کیفیت تهیه می‌شود و در نتیجه سود ارائه شده توسط چنین سیستمی نیز با کیفیت خواهد بود. بطور خلاصه کیفیت حسابرسی بالا از طریق کاهش تقلب احتمالی مدیران و کاهش مدیریت سود، موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی شرکت در بلندمدت خواهد شد که این موضوع دقت اطلاعات حسابداری را افزایش داده و در نتیجه استفاده کنندگان از اطلاعات با اعتماد بیشتری نتایج عملکرد شرکت را تحلیل می‌نمایند (ممشی و کارشناسان، ۱۳۹۸). در نتیجه از آنجایی که صورت‌های مالی ارائه شده توسط شرکت‌ها از جمله مهم‌ترین منابع تصمیم‌گیری استفاده کنندگان از اطلاعات مالی است و حسابرسان نیز در این خصوص نقش اعتباردهی بر عهده دارند، می‌توان گفت نقش حسابرسان بسیار با اهمیت است و زمانی می‌توان بیان داشت این نقش به خوبی ایفا شده که تحریف‌های حسابداری را تا حد امکان کشف نمایند، بدین ترتیب می‌توان بیان داشت فرآیند حسابرسی با کیفیت انجام شده است (رویایی و آذین‌فر، ۱۳۹۱). صورت‌های مالی حسابرسی شده این امکان را دارند که برای استفاده کنندگان اطمینانی را فراهم آورند که اطلاعاتی معتبر و قابل‌اتکا را تحصیل نموده‌اند. بنابراین حسابرسان نقشی مهم در جهت نظارت بر کیفیت گزارش‌های مالی ایفا می‌نماید که این امر توسط گزارش‌های حسابرسی ارائه می‌گردد (بشیری منش و پاکدل، ۱۳۹۸). استانداردهای حسابرسی، حسابرسان را ملزم به بررسی کیفیت گزارش‌های مالی می‌نماید. صورت‌های مالی را می‌توان مهمترین بخش از اطلاعات مالی دانست که حسابرسان از طریق رسیدگی‌ها خود، به آنها اعتبار داده و بدین ترتیب کیفیت صورت‌های مالی را افزایش می‌دهند، بنابراین می‌توان گفت، کیفیت حسابرسی بخشی از کیفیت اطلاعات حسابداری است (کلینچ و همکاران، ۲۰۱۰). اسد و ترکی الشوری (۲۰۲۰)، در پژوهش به بررسی رابطه تعدیل‌گری کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری پرداختند و بیان داشتند، کیفیت حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری بر ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری داشته است. یاسر و سلیمان (۲۰۱۸)، در پژوهش خود بیان داشتند بین تصدی حسابرسان با مدیریت سود ارتباط مثبت و معناداری برقرار است. صفری و همکاران (۲۰۱۱)، به بررسی ارتباط کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در قالب ارقام تعهدی اختیاری پرداختند و بیان داشتند بین ارقام تعهدی اختیاری و کیفیت حسابرسی ارتباط معکوس برقرار است. لاورنس و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهش خود بیان داشتند بین کیفیت حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری ارتباط معناداری برقرار است بدین معنی که شرکت‌هایی که دارای ارقام تعهدی بالاتری هستند از کیفیت حسابرسی پایین‌تری نیز

برخورد دارند. ممشلی و کارشناسان (۱۳۹۸)، بیان داشتند با افزایش کیفیت حسابرسی احتمال گزارشگری متقلبانه و مدیریت سود کاهش یافته و در نتیجه کیفیت گزارش‌های مالی بهبود می‌یابد. بشیری منش و پاکدل (۱۳۹۸)، به این نتیجه رسیدند که کیفیت گزارشگری مالی نزد حساب‌رسان در تصمیم‌گیری برای تعدیلات حائز اهمیت بوده و با افزایش کیفیت گزارشگری مالی، میزان تعدیلات کاهش می‌یابد. نبات دوست باغمیشه و محمدزاده سالطه (۱۳۹۵)، بیان داشتند بین کیفیت حسابرسی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی رابطه معنی داری وجود دارد. نونهال نهر و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به ارزیابی تاثیر کیفیت حسابرسی بر کاهش مدیریت سود شرکت‌های تازه پذیرش شده در بورس اوراق بهادار پرداختند و بیان داشتند، دوره تصدی طولانی حساب‌رسان موجب کاهش مدیریت سود در شرکت‌های مورد پژوهش خواهد شد. رویایی و آذین‌فر (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی همه صنایع فعال در بازار سرمایه ایران یکسان نمی‌باشد. بدین ترتیب در برخی صنایع کیفیت حسابرسی بالا بوده و در برخی صنایع کیفیت حسابرسی در سطح پایینی قرار دارد. براین اساس در این پژوهش بر خلاف پژوهش‌های پیشین، ارتباط کیفیت حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی براساس معیاری متفاوت مورد بررسی قرار گرفته و فرضیه اول پژوهش با توجه به مطالب فوق به شرح ذیل مطرح می‌شود:

کیفیت حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر دارد.

۲-۲- کیفیت گزارشگری مالی و لحن گزارش‌های توضیحی

براساس چارچوب مفهومی، گزارش‌های مالی با کیفیت به عنوان گزارش‌هایی که کامل، بی‌طرفانه و عاری از خطا هستند و اطلاعات مفیدی را برای پیش‌بینی موقعیت اقتصادی و عملکرد شرکت ارائه می‌دهند، تعریف می‌شوند (گینور و همکاران، ۲۰۱۶). هرچند نمی‌توان کیفیت گزارشگری مالی را به طور مستقیم مشاهده نمود، اما پژوهشگران و مفسران شاغل در حرفه، آن را به عنوان عاملی مهم در بازار سرمایه، تلقی می‌نمایند (پامروی و سورتنن، ۲۰۰۸). کیفیت گزارش‌های مالی شرکت سبب می‌گردد جریان‌های نقدی آتی شرکت برای کلیه استفاده کنندگان از اطلاعات به راحتی قابل پیش‌بینی باشد. در حقیقت کیفیت گزارشگری مالی معیاری جهت تفکیک اطلاعات مفید از سایر اطلاعات شرکت است که موجب ارتقاء سودمندی اطلاعات می‌گردد، بنابراین هدف اولیه اطلاعات گزارش‌های مالی آن است که پشتوانه قضاوت‌ها و تصمیمات قرارگیرد (امیرآزاد و همکاران، ۱۳۹۷). مطابق با تئوری‌های نمایندگی این امکان وجود دارد که گزارش‌های مدیریت بصورتی صادقانه ارائه نگردیده باشد. این بدان معنی است که با جدایی مالکیت از مدیریت، مدیران می‌توانند نتایج ضعیف بدست آمده در شرکت را از طریق دستکاری در سود و یا با جهت‌دهی در افشای اطلاعات پنهان نمایند (مهربان‌پور و همکاران، ۱۳۹۹). از سویی دیگر مطابق با تئوری ذینفعان، شرکت حلقه ارتباطی بین کلیه تامین کنندگان منابع شرکت است که به دلیل وجود تضاد منافع بین آنها، این امکان وجود دارد که شرکت با

کاهش بازدهی برای سهامداران مواجه گردد. تئوری ذینفعان، متضمن این موضوع است که مدیران شرکت باید به گونه‌ای عمل نمایند تا رفاه تمامی ذینفعان حفظ شود بدین معنی که روابط بین کلیه ذینفعان مدیریت گردیده تا مسئولیت‌هایی که در قبال آنها وجود داشته است ایفا گردد. بدین ترتیب تامین منافع در گرو وضعیت عملکردی شرکت بوده و در صورت برآورده شدن منافع هر یک از ذینفعان شرکت نیز از عملکرد خوبی برخوردار خواهد شد که این موضوع برای شرکت ارزش افزوده ایجاد می‌نماید. هرچند ایجاد چنین توازنی میان کلیه ذینفعان دشوار به نظر می‌رسد، اما نباید بهانه‌ای برای غفلت مدیران از رسیدن به چنین تعادلی باشد. بدین ترتیب این احتمال نیز متصور خواهد بود که مدیران با سواستفاده احتمالی از اطلاعات شرکت به دنبال ایجاد چنین تعادلی در بین ذینفعان باشند. در حقیقت مدیران در ارائه گزارش‌های توضیحی اختیاراتی در رابطه با چگونگی افشاء محتوای اطلاعات بر عهده دارند، بطوری که حتی در نحوه نوشتار مطالب و لحن گزارش‌ها نیز مشاهده می‌شود. به عبارتی مدیریت می‌تواند با تغییر در لحن گزارش‌های توصیفی و یا توضیحی خود، به عنوان شکلی از ادراک هدفدار و آگاهانه به دنبال تغییر در درک استفاده‌کنندگان از اطلاعات باشد (پورکریم و همکاران، ۱۳۹۷). این موضوع فرصتی بسیار مطلوب را برای مدیران جهت مدیریت ادراک استفاده‌کنندگان برون سازمانی درباره اطلاعات شرکت و بدون هیچگونه نگرانی از بابت احتمال وقوع دعاوی حقوقی ایجاد می‌کند. همان طور که تقریباً تمامی پژوهش‌های انجام شده در رابطه با اثر گذاری یادداشت‌های توضیحی مدیران بر استفاده‌کنندگان از اطلاعات، حاکی از تاثیر بالا و معنا دار آن‌ها در اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و اعمال کنترل ادراک آن‌ها در خصوص عملکرد شرکت‌ها است. دیمرس (۲۰۰۸)، معتقد است که تحلیلگران مالی نیز در اتخاذ تحلیل‌های خود و ارائه پیشنهادها خرید سهام بر اطلاعات غیرمالی (کیفی) و قابل درک اتکا می‌کنند. پژوهشگران مختلفی (همچون کلاروتی و جونز، ۲۰۰۳؛ مرکل داویس و برنام، ۲۰۰۷) بیان داشتند که ارائه اطلاعات به بازار و به دنبال آن واکنش بازار نسبت به عملکرد مالی شرکت، متاثر از رویه‌های عملکردی مدیران در ارائه اطلاعات و بکارگیری واژگان مثبت و منفی یا بطور کلی لحن گزارش‌های مالی است. این موضوع به جهت تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و تحلیلگران، می‌تواند پیامدهای مالی و اقتصادی برای آنان به دنبال داشت باشد، به همین دلیل لحن گزارش‌های توضیحی مدیران، برآورد خطر حسابرسی را به‌همراه خواهد داشت (یانگ و همکاران، ۲۰۱۸). شلنکر (۱۹۸۰) نقض محتوای اطلاعات را تلاشی آگاهانه از جانب افراد به منظور مدیریت ماهرانه‌ی بازنمایی اطلاعات و تفسیرها توصیف می‌نماید. در واقع ارائه آهنگی خوشبینانه از وقایع مالی شرکت‌ها به عنوان فرآیندی از نقض محتوای اطلاعات شناخته می‌شود، چرا که از انعکاس اخبار مثبت حمایت کرده و مانع از ارائه اخبار بد به ذینفعان خواهد شد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۹). باتوجه به مطالب فوق فرضیه دوم پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌شود:

کیفیت گزارشگری مالی بر لحن گزارش‌های توضیحی مدیران تاثیر دارد.

استفاده مدیران از اختیاراتی که توسط اصول پذیرفته شده حسابداری ممنوع نشده است، نیازمند ارزیابی دقیق حسابرسان برای شناسایی فرصت تقلب است تا نقاط ضعف اصول پذیرفته شده حسابداری تعیین و برطرف شود. ولف و هرمانسون^۱ (۲۰۰۴) در پژوهش خود، توانایی مدیریت را هم‌سطح با سه جزء دیگر تقلب معرفی کردند که باعث می‌شود انگیزه و عقلانیت فرد به‌سوی رفتار متقلبانانه سوق پیدا کند. این بخش به معنای داشتن توانایی شخصی و ویژگی‌های لازم برای انجام تقلب است. در حالی که تقلب در اطلاعات گزارش شده که منشاء آن ضعف کنترل‌های داخلی است، حسابرس مستقل را به تلاش مضاعف برای شناسایی تحریفات عمدی صورت‌های مالی وادار می‌کند و احتمال افزایش کشف تقلب در آینده را به‌دنبال خواهد داشت (هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام^۲، ۲۰۱۳). بنابراین وجود ضعف در کیفیت گزارشگری مالی که نشان دهنده عدم توانایی شرکت در ایفای تعهدات است، بر رفتار مدیران تأثیرگذار می‌باشد. بدین معنی که مدیران در شرایط بحران مالی انگیزه لازم را برای انجام رفتارهای فرصت طلبانه به جهت تأمین منافع شخصی دارا می‌باشند. به دنبال آن وجود حسابرسان، به‌عنوان افرادی مستقل که به اطلاعات داخلی شرکت دسترسی دارند به منظور نظارت بر ارائه مطلوب گزارش‌های مالی ضروری به نظر می‌رسد. در پژوهش حاضر نیز استدلال بر آن است که دلیل استفاده از لحن مثبت در گزارش‌های توضیحی می‌تواند ناشی از ضعف‌های احتمالی موجود در وضعیت مالی موسسه باشد، که این امر خطر حسابداری را افزایش داده و نیاز به بررسی‌های حسابداری بیشتر خواهد شد. خطر اطلاعات حسابداری در محیط بازار سرمایه را می‌توان به دو بخش تقسیم نموده که بخش اول به ابهام درخصوص دقت اطلاعات و بخش دوم نیز به چگونگی توزیع اطلاعات اشاره دارد. درخصوص بخش اول می‌توان بیان داشت ابهام در اطلاعات حسابداری، ارتباط بین ارقام حسابداری و واقعیت اقتصادی را تضعیف نموده که نتیجه آن افزایش عدم تقارن اطلاعاتی را در بر خواهد داشت (رشدی باغی، ۱۳۹۸). بنابراین وجود حسابداری با کیفیت موجب بهبود کیفیت گزارش‌های مالی شرکت و از سویی دیگر، موجب بیان منظم گزارش‌های مدیران در جهت توزیع برابر اطلاعات میان استفاده‌کنندگان از اطلاعات خواهد بود. بطور کلی حسابداری صورت‌های مالی یکی از مهم‌ترین ابزارها جهت اطمینان از شفافیت اطلاعات شرکت‌هاست (صالحی و همکاران، ۲۰۱۷) که نهایتاً می‌تواند بر لحن گزارش‌های توضیحی مدیران تأثیرگذار باشد. باتوجه به مطالب فوق فرضیه سوم پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌شود:

کیفیت حسابداری از طریق کیفیت گزارشگری مالی بر لحن گزارش‌های توضیحی مدیران تأثیر دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر طبقه‌بندی بر مبنای هدف، کاربردی بوده و از نظر روش اجرا (آماري)

1. Wolfe & Hermanson

2..Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB)

توصیفی-همبستگی می‌باشد. همچنین از نظر روش پژوهش در دسته پژوهش‌های تجربی-پس‌رویدادی است. داده‌های مورد نیاز پژوهش از طریق نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال و از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها و گزارش‌های حسابرسی آنها جمع‌آوری شده است. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سرمایه ایران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ می‌باشد که پس از اعمال محدودیت‌های ذیل، تعداد ۱۱۸ شرکت برای ۸ سال (۹۴۴ مشاهده) از جامعه آماری انتخاب گردیده است.

شرکت‌ها باید طی دوره پژوهش فعالیت مداوم در بورس اوراق بهادار ایران داشته باشند، اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها در قلمرو زمانی پژوهش در دسترس باشد و وقفه معاملاتی بیشتر از شش ماه نداشته باشند، از طرفی پایان سال مالی شرکت نیز باید منتهی به ۲۹ اسفند ماه بوده و تغییر سال مالی نیز نداشته باشند و در نهایت جزو شرکت‌های واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک‌ها و موسسات اعتباری، هلدینگ و لیزینگ (به سبب ماهیت خاص فعالیت) نباشند. پس از جمع‌آوری و استخراج داده‌ها ابتدا به منظور تجمیع، طبقه‌بندی، پردازش داده‌ها و محاسبه مقادیر متغیرها از نرم‌افزار اکسل استفاده گردید. سپس برای آزمون دو فرضیه اول پژوهش، براساس داده‌های ترکیبی، از مدل‌های رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار استاتا نسخه ۱۵ صورت گرفته است. همچنین به منظور آزمون فرضیه سوم به دلیل وجود متغیر میانجی از آزمون سوبل (به صورت برخط) استفاده می‌شوند.

۴- مدل‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، به پیروی از صالحی و همکاران (۲۰۱۷)، میترا و همکاران (۲۰۰۹)، فخاری و همکاران (۱۳۹۷)، نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵)، وکیلی فرد و همکاران (۱۳۹۴) و پورکریم و همکاران (۱۳۹۷) از مدل‌های رگرسیونی زیر استفاده شده است.

مدل (۱)- جهت آزمون فرضیه اول

$$FQR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AQ_{i,t} + \beta_2 MBV_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 OCF_{i,t} + \beta_6 LOSS_{i,t} + \beta_7 ACIND_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۲)- جهت آزمون فرضیه اول

$$DD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AQ_{i,t} + \beta_2 MBV_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 OCF_{i,t} + \beta_6 LOSS_{i,t} + \beta_7 ACIND_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۳)- جهت آزمون فرضیه دوم

$$TONE_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FQR_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 OCF_{i,t} + \beta_4 TLSFUi_{i,t} + \beta_5 MBVi_{i,t} + \beta_6 DIVi_{i,t} + \beta_7 FORREVi_{i,t} + \beta_8 AGE_{i,t} + \beta_9 ROAi_{i,t} + \beta_{10} CFDi_{i,t} + \beta_{11} Q*FCFi_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۴)- جهت آزمون فرضیه دوم

$$TONE_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 DDi_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 OCF_{i,t} + \beta_4 TLSFUi_{i,t} + \beta_5 MBVi_{i,t} + \beta_6 DIVi_{i,t} + \beta_7 FORREVi_{i,t} + \beta_8 AGE_{i,t} + \beta_9 ROAi_{i,t} + \beta_{10} CFDi_{i,t} + \beta_{11} Q*FCFi_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$AQ_{i,t}$ = کیفیت حسابداری شرکت i در سال t . $FQR_{i,t}$ = کیفیت گزارشگری مالی بر حسب مدل کوتاری، $DDi_{i,t}$ = کیفیت گزارشگری مالی بر حسب مدل کازنیک، $TONE_{i,t}$ = لحن گزارش‌های توضیحی مدیران، $SIZE_{i,t}$ = اندازه شرکت برابر لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها در پایان دوره، $OCFi_{i,t}$ = جریان نقد عملیاتی برابر نسبت گردش وجوه نقد عملیاتی بر کل دارایی‌ها، $MBVi_{i,t}$ = فرصت‌های رشد برابر نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، $LEVi_{i,t}$ = اهرم مالی برابر نسبت جمع بدهی به جمع دارایی‌ها در پایان دوره، $LOSSi_{i,t}$ = زیان شرکت - در صورتی که شرکت زیان ده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر، $AGE_{i,t}$ = عمر شرکت برابر لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت از زمان تأسیس، $ACINDi_{i,t}$ = استقلال کمیته حسابداری برابر درصد اعضای غیر موظف کمیته حسابداری، $TLSFUi_{i,t}$ = نسبت بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام برابر نسبت کل بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام، $DIVi_{i,t}$ = شاخص تقسیم سود نقدی، برابر با نسبت سود پرداختی نقدی هر سهم به سود اعلامی هر سهم است. $FORREVi_{i,t}$ = شاخص فروش صادراتی برابر شرکت‌هایی که فروش صادراتی دارند عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود. $CFDi_{i,t}$ = شاخص جریان نقد عملیاتی برابر تقسیم جریان‌های نقد عملیاتی بر کل دارایی‌ها. $Q*FCFi_{i,t}$ = هزینه نمایندگی برابر حاصل ضرب کیوتوبین در جریان نقد آزاد است. $ROAi_{i,t}$ = بازده دارایی‌ها برابر نسبت سود قبل از اقلام غیرعادی تقسیم بر جمع دارایی‌ها در پایان دوره. $\varepsilon_{i,t}$ = باقیمانده مدل رگرسیون.

۵- متغیرهای اصلی پژوهش

۵-۱- کیفیت حسابداری (AQ)

متغیر مستقل در این پژوهش کیفیت حسابداری بوده که به منظور تعیین کیفیت حسابداری با استفاده از آزمون مقایسه میانگین زوجی از داده‌های مربوط به نسبت موفقیت حسابداری در کشف تحریف‌ها استفاده شده است. بدین منظور در فایل اکسل جدولی تهیه و تعداد تحریف‌های کشف شده توسط حسابرسان، کشف نشده و جمع این تحریف‌ها و نسبت موفقیت حسابداری در

کشف تحریف‌ها وارد گردید. جمع تحریف‌ها از مجموع تحریف‌های کشف شده و کشف نشده حاصل می‌گردد، بنابراین از تقسیم تحریف‌های کشف شده به مجموع تحریف‌ها، می‌توان نسبت موفقیت حسابرسی در کشف تحریف‌های به دست را محاسبه نمود. این نسبت نشان دهنده درصد موفقیت حسابرسی در کشف تحریف‌ها نسبت به عدم کشف آنها خواهد بود. تحریف‌های کشف شده توسط حسابرسان از بررسی صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها و گزارش حسابرسی، حسابرسان به دست می‌آید و میزان تحریف‌های کشف نشده توسط حسابرسان، با توجه به تعدیلات سنواتی ذکر شده در صورت‌های مالی حسابرسی شده سال آتی که در بخش یادداشت‌های توضیحی همراه سود و زیان انباشته و سود و زیان جامع بیان می‌شوند، بدست می‌آید. بدین ترتیب کیفیت حسابرسی از رابطه ذیل بدست می‌آید.

$$\text{کیفیت حسابرسی} = \frac{\text{تحریف های کشف شده}}{\text{تحریف های کشف شده} + \text{تحریف های کشف نشده}}$$

۵-۲- کیفیت گزارشگری مالی (FQR)

در این پژوهش به منظور تعیین کیفیت گزارشگری مالی از دو مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) و کازنیک (۱۹۹۹) استفاده شده است. دلیل انتخاب مدل کازنیک جهت ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی، این است که سجادی و همکاران (۱۳۸۹)، چهار مدل و همچنین یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۱) شش مدل اصلی از مدل‌های اقلام تعهدی را به تفکیک هر صنعت از نظر معنی داری و قابلیت پیش‌بینی کنندگی مورد بررسی قرار دادند و مدل کازنیک را به عنوان مدل بهینه در ایران انتخاب نموده‌اند (اخگر و کرمی، ۱۳۹۳). این مدل با افزودن تغییر در خالص وجه نقد عملیاتی، مدل جونز را تعدیل می‌کند.

$$TAC/TA_{i,t} = \beta_1 (1/TA)_{i,t} + \beta_2 (\Delta REV - \Delta REC)_{i,t} / TA_{i,t} + \beta_3 (PPE/TA)_{i,t} + \beta_4 (\Delta CFO/TA)_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن: $\Delta REC_{i,t}$ تغییر در حساب‌های دریافتنی شرکت i در سال t ، $\Delta CFO_{i,t}$ تغییر در جریان نقد عملیاتی شرکت i در سال t و سایر متغیرها مشابه با مدل قبل می‌باشد. معیار دوم نیز برابر قدرمطلق این مقدار ضربدر منفی یک است و بنابراین، مقدار بالاتر نشانگر کیفیت گزارشگری بیشتر است (مشایخی و محمدپور، ۱۳۹۳؛ کازنیک، ۱۹۹۹).

دلیل انتخاب مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) آن است که از سال ۲۰۰۵ بسیاری از محققین از این مدل برای برآورد اقلام تعهدی استفاده نمودند (کرمی و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین این مدل نسبت به مدل جونز دارای نتایجی دقیق‌تر و قوی‌تر است (انصاری و همکاران، ۱۳۹۲).

$$TA_{accr_{i,t}} = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / A_{i,t-1}) + \alpha_2 \Delta Rev_{i,t} + \alpha_3 PPE_{i,t} + \alpha_4 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$ROAi,t$ بازده دارایی‌ها برای شرکت i در سال t تقسیم بر دارایی‌های ابتدای سال. جمله باقیمانده رگرسیون فوق بیانگر اقلام تعهدی اختیاری می‌باشد. در این پژوهش، قدرمطلق ارزش‌های اقلام تعهدی اختیاری در منفی یک ضرب می‌گردد. بنابراین، ارزش‌های بالاتر بیانگر کیفیت گزارشگری مالی بالاتر می‌باشد (تقی زاده خانقاه و زینالی، ۱۳۹۴؛ کوتاری و همکاران، ۲۰۰۵).

۵-۳- لحن گزارش‌های توضیحی (TONE)

در پژوهش حاضر متغیر وابسته لحن گزارش‌های توضیحی مدیران می‌باشد. منظور از لحن زبان گزارش‌های توضیحی، عبارت است از میزان مثبت/منفی بودن گزارش‌ها. در پژوهش حاضر از گزارش سالانه هیأت مدیره درخصوص فعالیت و وضعیت شرکت به عنوان کانال ارتباطی مدیریت با سایر استفاده کنندگان از اطلاعات مالی استفاده شده است. بنابراین، لحن مثبت (خوش بینانه) با استفاده از فراوانی تکرار کلمات مثبت منهای کلمات منفی که در یک گزارش استفاده شده‌اند اندازه گیری می‌شود و بلعکس. بر این اساس، عدد ناشی از این اختلاف در صورت مثبت بودن دارای لحن مثبت (خوشبینانه) می‌باشد و در صورت منفی شدن بیانگر لحن منفی (بدبینانه) است. اختلاف تعداد کلمات خوشبینانه (کلمات مثبت) و کلمات بدبینانه (کلمات منفی) به پیروی از پژوهش داویس و همکاران (۲۰۱۲) می‌باشد. در پژوهش حاضر به پیروی از مقاله رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۱) از عبارت گزارش‌های توضیحی برای گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام استفاده شده است. همچنین از روش مجموعه لغات برای تشخیص لحن خوشبینانه (مثبت) یا بدبینانه (منفی) به کاررفته در گزارش‌های توضیحی سالانه هیئت مدیره به منظور نمایش عملکرد سالانه شرکت و بیان وضعیت کلی شرکت به مجمع عمومی صاحبان سهام استفاده شده است. بدین ترتیب تفاوت در تعداد واژه‌های مثبت و منفی تقسیم بر مجموع واژگان نشان دهنده نسبت لحن مثبت یا منفی گزارش‌های توضیحی سالانه هیئت مدیره خواهد بود. روش مجموعه لغات را می‌توان به عنوان یک روش کمی تحلیل محتوا طبقه‌بندی نمود. لغت‌نامه‌های تخصصی حسابداری حال حاضر، که معیار سنجش واژگان مثبت و منفی در پژوهش‌های داخلی بوده است (همچون لغت‌نامه لوکران و مک‌دونالد، ۲۰۱۱؛ هنری، ۲۰۰۸) غیر بومی بوده و احتمالاً در ترجمه واژگان نیز صرفاً به ریشه کلمه توجه گردیده و تمام اشکال کلمه، مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین در این پژوهش جهت تعیین لغات مثبت و منفی از فهرست واژگان ایجاد شده توسط پله و همکاران (۱۳۹۸) استفاده گردیده است. چرا که این واژگان از گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران اقتباس گردیده و بر پایه واژه‌ها و کلمات بومی تهیه شده و تمامی اشکال کلمه را در نظر گرفته است. بدین منظور در ابتدا تمامی گزارش‌های هیئت مدیره برای کلیه سال-شرکت‌های مورد پژوهش، مجدداً تایپ و به فایل ورد^۱ تبدیل گردیده و سپس جهت تحلیل کیفی داده‌ها، از نرم‌افزار

1. Word

مکس کیودا^۱ استفاده شده است.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی داده‌ها

شاخص‌های توصیفی عموماً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است، که در پژوهش حاضر برای نمونه‌ای متشکل از ۹۴۴ سال-شرکت در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۳-۱۴۰۰ نشان داده شده است. بدلیل آنکه شرکت‌های استفاده شده در مدل‌های پژوهش برابر می‌باشند، آمار توصیفی بر حسب مدل‌های پژوهش تفکیک نگردیده و به صورت یکجا در جدول ۱ ارائه شده است. میانگین بعنوان نشان دهنده نقطه تعادل، مهم‌ترین شاخص مرکزی برای نمایش مرکزیت داده‌هاست. بنابراین همانطور که مشاهده می‌شود، میانگین کیفیت حسابرسی برابر (۰/۵۱۲۰) است که نشان می‌دهد در نمونه مورد بررسی درصد موفقیت حسابرس در کشف تحریفات نسبت به عدم کشف آنها ۵۱ درصد است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد بطور متوسط سطح کیفی گزارشگری مالی بر حسب مدل‌های کوتاری و کازنیک به ترتیب ۰/۱۲۵ و ۰/۱۳۱- می‌باشد که نشان می‌دهد، تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین سطح اقلام تعهدی اختیاری مدل کوتاری و کارزنیک وجود ندارد. در پژوهش‌های گذشته کیفیت حسابرسی به عنوان متغیری کیفی مورد سنجش قرار گرفته است این در حالی است که در پژوهش حاضر، کیفیت حسابرسی بر خلاف پژوهش‌های گذشته متغیری کمی می‌باشد. اما با توجه به اینکه درصد موفقیت حسابرس در کشف تحریفات نسبت به تعدیلات سنواتی سال بعد از آن، صد درصد بوده و یا بالعکس، بیشینه و کمینه این متغیر به ترتیب ۱ و ۰ بدست آمده است. به عبارت دیگر حسابرسان در رسیدگی خود به گونه ای عمل نموده‌اند که در برخی شرکت‌ها کلیه تحریفات با اهمیت را کشف نموده‌اند و یا در برخی شرکت‌ها موفق به کشف تحریفات با اهمیت نگردیده‌اند که این امر منتج به انجام تعدیلات در سال مالی بعد گردیده است.

جدول ۱. آمار توصیفی داده‌های کمی پژوهش

نام متغیر	نماد	نقش متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	مشاهدات
کیفیت حسابرسی	AQ	مستقل	۰/۵۱۲۰	۰/۴۷۱۴	۰	۱	۹۴۴
کیفیت گزارشگری مالی کوتاری	FQR	مستقل/ وابسته میانجی	-۰/۱۰۹	۰/۱۲۳	-۰/۹۱	-۰/۰۰۰۰۷	۹۴۴

نام متغیر	نماد	نقش متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	مشاهدات
کیفیت گزارشگری مالی کازنیک	DA	مستقل / وابسته میانجی	-۰/۰۸۳	۰/۰۸۲	-۰/۹۱۳	-۰/۰۰۰۰۵	۹۴۴
لحن گزارش‌های مدیریت	TONE	وابسته	۰/۵۳۳	۰/۲۱۱	-۰/۲۹۸	۰/۹۶۳	۹۴۴
جریان نقد عملیاتی	OCF	کنترلی	۰/۰۱۷۶	۰/۱۵۱	-۰/۷۱۹	۰/۸۳۲	۹۴۴
فرصت‌های رشد	MBV	کنترلی	۲/۷۶۸	۱/۵۵۸	۰/۶۹۴	۹/۳۹	۹۴۴
لگاریتم طبیعی عمر شرکت	AGE	کنترلی	۳/۵۹۷	۰/۳۵۹	۲/۴۷۶	۴/۱۱۹	۹۴۴
استقلال کمیته حسابرسی	ACIND	کنترلی	۰/۶۶۸	۰/۱۸۸	۰	۱	۹۴۴
اهرم مالی	LEV	کنترلی	۰/۵۴۶	۰/۲۰۴	۰/۰۶۱	۰/۹۵۲	۹۴۴
اندازه شرکت	SIZE	کنترلی	۱۴/۱۳۴	۱/۴۱۸	۱۱/۰۵۸	۱۹/۱۱۸	۹۴۴
بازده دارایی‌ها	ROA	کنترلی	۰/۱۱۲	۰/۱۴۳	-۰/۶۱۳	۰/۶۳۲	۹۴۴
شاخص جریان نقد عملیاتی	CFD	کنترلی	۰/۱۲۱	۰/۱۳۰	-۰/۴۸	۰/۶۴۴	۹۴۴
هزینه نمایندگی	Q*FCF	کنترلی	۰/۰۶۵	۰/۲۹۹	-۲/۵۵۳	۲/۱۶۹	۹۴۴
نسبت بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام	TLSFU	کنترلی	۱/۷۱۳	۱/۷۹۵	۰/۰۸۹	۱۰/۶۹	۹۴۴
شاخص تقسیم سود نقدی	DIV	کنترلی	۰/۰۵۳	۰/۰۵۱۷	۰	۰/۶۱۷	۹۴۴

جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش شامل متغیرهای دارای دو ارزش صفر و یک را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌گردد از ۹۴۴ سال-شرکت، تقریباً ۵۳ درصد شرکت‌های نمونه، فروش صادراتی داشته‌اند این درحالی است که تقریباً ۴۷ درصد شرکت‌های فروش صادراتی نداشته‌اند. همچنین تقریباً ۱۳ درصد شرکت‌ها در دوره مالی مورد بررسی زیان گزارش نموده‌اند.

جدول ۲. آمار توصیفی داده‌های کیفی پژوهش

نام متغیر	نماد	وجود		عدم وجود		مجموع	
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
شاخص فروش صادراتی	FORREV	۵۰۲	۵۳/۱۸	۴۴۲	۴۶/۸۲	۹۴۴	۱۰۰
زیان شرکت	LOSS	۱۲۴	۱۳/۱۴	۸۲۰	۸۶/۸۶	۹۴۴	۱۰۰

۶-۲- آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای هر یک از فرضیه‌های پژوهش مدل رگرسیونی خطی گردیده که براین اساس لازم است پیش از ارائه نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش، فروض کلاسیک رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. لذا در ابتدا از آزمون اف لیمر (چاو) به منظور انتخاب بین داده‌های پولین و پانل با رویکرد اثرات ثابت، استفاده گردید، که طبق نتایج آزمون چاو، سطح معناداری برای همه‌ی مدل‌های پژوهش به غیر از مدل (۱) کمتر از ۵ درصد بوده است، که بیانگر پذیرش الگوی داده‌های تابلویی (پانل) می‌باشد. اما از آنجائی که در الگوی داده‌های پانلی رویکرد اثرات تصادفی نیز وجود دارد، در صورت رد فرضیه صفر آزمون اف لیمر (تأیید استفاده از الگوی داده‌های پانلی با رویکرد اثرات ثابت) باید رویکرد اثرات تصادفی نیز از طریق آزمون بروش پاگان (ضریب لاگرانژ) مورد آزمون قرار گیرد. بدین ترتیب در خصوص مدل اول پژوهش به دلیل آنکه سطح معناداری آزمون اف لیمر (چاو) بالاتر از ۵ درصد است، جهت سنجش ناهمسانی واریانس‌ها از آزمون بروش پاگان استفاده گردیده است و به دلیل آنکه در آزمون بروش پاگان سطح معناداری بیش از ۵ درصد بوده است، لذا فرضیه صفر تأیید شده که نشان دهنده استفاده از داده‌های پولین (الگوی داده‌های تلفیقی) می‌باشد، بنابراین در این مدل دیگر نیازی به انجام آزمون هاسمن نمی‌باشد. نتایج این مدل در جدول شماره ۳ ارائه شده است. در ادامه به منظور تشخیص استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی مدل‌های دیگر از آزمون هاسمن استفاده گردیده است. مطابق با نتایج آزمون هاسمن، سطح معناداری در همه مدل‌ها به جز مدل (۲) پژوهش، کمتر از ۵ درصد می‌باشد که بیانگر پذیرش اثرات ثابت است. اما در خصوص مدل دوم پژوهش که سطح معناداری آزمون هاسمن بالاتر از ۵ درصد بوده و نشان از پذیرش اثرات تصادفی دارد، جهت سنجش عدم ناهمسانی واریانس از آزمون وینگزوی استفاده شده است. نتایج این مدل در جدول شماره ۴ ارائه شده است. از طرفی دیگر جهت بررسی شرط عدم ناهمسانی واریانس در سایر مدل‌ها از آزمون والد تعدیل شده، استفاده گردیده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون والد تعدیل شده در مدل‌ها کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاقی می‌باشد، که این مشکل در تخمین نهایی مدل با روش حداقل مربعات تعمیم یافته^۱ رفع شده است و در نهایت به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آزمون وولدریج استفاده گردید. با توجه به

1. GLS

نتایج حاصله، مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون وولدریج برای کلیه مدل‌های پژوهش، کمتر از ۵ درصد است که این موضوع بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی در مدل‌ها می‌باشد. این مشکل در تخمین نهایی مدل‌ها با اجرای دستور رفع خودهمبستگی^۱ مرتفع شده است. نتایج کلیه آزمون‌های فوق در پایان جداول نتیجه آزمون هر فرضیه ارائه شده است.

۶-۲-۱- تحلیل نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

در فرضیه اول پژوهش تاثیرگذاری کیفیت حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی (بر اساس دو مدل کوتاری و کازنیک) مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از برازش مدل‌های اول و دوم پژوهش در جداول ۳ و ۴ ارائه شده است. توانایی حسابرسان در کشف تحریف‌های با اهمیت بعنوان معیار حسابرسی با کیفیت در نظر گرفته شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار ضریب و احتمال متغیر کیفیت حسابرسی در مدل ۱ به ترتیب برابر با ۰/۰۴۲۴ و ۲/۵۱ است. از طرفی مقدار ضریب و احتمال متغیر کیفیت حسابرسی در مدل ۲ به ترتیب برابر با ۰/۰۱۶۳ و ۲/۸۲ می‌باشد. در جداول ۳ و ۴ اعداد مثبت (منفی) در ستون ضرایب، نشان دهنده میزان تأثیر مستقیم یا معکوس هر یک از متغیرها بر متغیر وابسته یعنی کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد. همچنین چنانچه مقدار احتمال آماره هر متغیر کمتر از ۰/۵ باشد، معنادار بودن تأثیر آن متغیر بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد.

جدول ۳. یافته‌های آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: کیفیت گزارشگری مالی مدل کوتاری					
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
کیفیت حسابرسی	AQ	۰/۰۴۲۴	۰/۰۱۶۹	۲/۵۱	۰/۰۱۲
فرصت‌های رشد	MBV	-۰/۰۰۶۸	۰/۰۰۵۱	-۱/۳۵	۰/۱۷۹
اهرم مالی	LEV	۰/۱۱۹۲	۰/۰۲۹۰	۴/۱۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۲۳	۰/۰۰۷۱	۳/۶۳	۰/۰۰۰
شاخص جریان نقد عملیاتی	OCF	-۰/۱۱۱	۰/۰۲۳۹	-۴/۱۴	۰/۰۰۰
زبان شرکت	LOSS	۰/۰۳۱۵	۰/۰۱۸۱	۱/۵۳	۰/۰۸۱
استقلال کمیته حسابرسی	ACIND	۰/۰۵۳۶	۰/۰۴۳۶	۱/۲۳	۰/۱۷۹
عرض از مبدا	cons	-۰/۵۸۷	۰/۱۱۲۳	-۵/۲۳	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۱۹ درصد			
آماره والد		۵۳/۵۸			

سطح معناداری		۰/۰۰۰۰	
آماره آزمون چاو	۱/۱۶	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۱۲۱
آزمون بروش-پاگان	۲۳/۰۰	سطح معناداری بروش-پاگان	۰/۰۰۰۰
آماره وولدریچ	۲۸/۵۱۷	سطح معناداری آماره وولدریچ	۰/۰۰۰۰
		الگوی داده‌های تلفیقی	
		ناهمسانی واریانس	
		وجود خودهمبستگی سریالی	

با توجه به اینکه سطح معناداری در مدل ۱ و ۲ کمتر از ۵ درصد بوده و ضرایب مثبت است بنابراین فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود. به بیان دیگر بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی (در هر دو مدل کوتاری و کازنیک) ارتباط مستقیم وجود دارد. همانطور که مشاهده گردید در آزمون هم خطی عامل تورم واریانس اعداد بدست آمده کمتر از عدد ۱۰ بوده بنابراین بیانگر عدم وجود هم خطی بین متغیرها می‌باشد.

جدول ۴. یافته‌های آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: کیفیت گزارشگری مالی مدل کازنیک					
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
کیفیت حسابرسی	AQ	۰/۰۱۶۳	۰/۰۰۵۸	۲/۸۲	۰/۰۰۴
فرصت‌های رشد	MBV	-۰/۰۰۶۲	۰/۰۰۱۸	-۳/۴۳	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰/۰۳۴۳	۰/۰۱۵۴	۲/۲۳	۰/۰۲۹
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۲۱۴	۰/۰۰۳۲	۶/۷۱	۰/۰۰۰
شاخص جریان نقد عملیاتی	OCF	-۰/۰۷۵	۰/۰۱۶۸	-۴/۴۷	۰/۰۰۰
زیان شرکت	LOSS	-۰/۰۱۲۳	۰/۰۰۸۹	-۱/۳۹	۰/۱۶۸
استقلال کمیته حسابرسی	ACIND	۰/۰۳۹۶	۰/۰۱۴۲	۲/۷۹	۰/۰۰۵
عرض از مبدا	cons	-۰/۳۴۵۳	۰/۰۳۷۵	-۹/۲۱	۰/۰۰۰
ضریب تعیین			۱۹ درصد		
آماره والد			۶۶/۲۱		
سطح معناداری			۰/۰۰۰۰		
آماره آزمون چاو	۲/۰۳	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰۰	پذیرش الگوی داده‌های تابلویی	
آماره آزمون هاسمن	۱۱/۸۹	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۱۰۲	اثرات تصادفی	

آزمون وینگر پوی	۷۴/۲۳	سطح معناداری وینگر پوی	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس
آماره وولدریچ	۲۷/۶۷۹	سطح معناداری آماره وولدریچ	۰/۰۰۰۰	وجود خودهمبستگی سریالی

نتایج حاصل از مدل رگرسیونی فوق نشان داد که کشف تحریف‌های حسابداری (کیفیت بالای حسابداری) می‌تواند کیفیت گزارش‌های مالی ارائه شده توسط شرکت را ارتقا داده که این موضوع استفاده‌کنندگان از اطلاعات را در انتخاب تصمیمات صحیح یاری می‌نماید. کیفیت حسابداری نقشی مهم در اعتبادهی به صورت‌های مالی و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران دارد و می‌تواند رویکردهای فرصت طلبانه مدیریت را کاهش دهد (ممشلی و کارشناسان، ۱۳۹۸). سطح بالای اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌ها نشان از کیفیت پایین گزارشگری مالی داشته و توانایی کشف تحریف‌های با اهمیت توسط حسابرسان و تلاش بیشتر در جهت شناسایی و جلوگیری استفاده مدیران از اقلام تعهدی، افزایش کیفیت گزارشگری مالی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین روشی موثر جهت کنترل بکارگیری اقلام تعهدی اختیاری توسط مدیریت، افزایش کیفیت حسابداری خواهد بود، چرا که کشف تحریف‌های با اهمیت نقشی مهم در هشدار به استفاده‌کنندگان از اطلاعات نسبت به رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت دارد. بدین ترتیب انجام حسابداری با کیفیت صحت اطلاعات ارائه شده توسط شرکت را افزایش داده و نهایتاً موجب ارتقاء اعتماد استفاده‌کنندگان به اطلاعات خواهد شد.

۶-۲-۲- تحلیل نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

در فرضیه دوم پژوهش مطرح گردید کیفیت گزارشگری مالی بر لحن گزارش‌های سالانه مدیران تاثیر دارد. بدین ترتیب تاثیر کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از مدل کوتاری و کازنیک بر لحن گزارش‌های مالی مدیران مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از برازش مدل‌های ۳ و ۴ پژوهش در جداول ۵ و ۶ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار ضریب و احتمال متغیر کیفیت گزارشگری مالی (کوتاری) در مدل ۳ به ترتیب برابر با ۰/۳۱۱ و ۱۰/۴۸ است. از طرفی مقدار ضریب و احتمال متغیر کیفیت گزارشگری مالی (کازنیک) در مدل ۴ به ترتیب برابر با ۰/۱۶۹ و ۳/۱۴ است. در جداول ۵ و ۶ اعداد مثبت (منفی) در ستون ضرایب، نشان دهنده میزان تأثیر مستقیم یا معکوس هر یک از متغیرها بر متغیر وابسته یعنی لحن گزارشگری مالی مدیران است. چنانچه مقدار احتمال آماره هر متغیر کمتر از ۰/۵ باشد، معنادار بودن تأثیر آن متغیر بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد.

جدول ۵. یافته‌های آزمون فرضیه دوم (مدل کوتاری)

متغیر وابسته: لحن گزارشگری مالی					
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	۰/۳۱۱	۰/۰۲۹۷	۱۰/۴۸	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۱۱	۰/۰۰۲۸	۴/۲۳	۰/۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	OCF	۰/۰۰۷۴	۰/۰۴۶۸	۰/۱۶	۰/۸۳۶
نسبت مالی	TLSFU	۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۱۳	۱/۱۲	۰/۲۹۸
فرصت‌های رشد	MBV	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۳۶	۰/۱۹	۰/۸۱۲
سود تقسیمی	DIV	-۰/۱۳	۰/۱۴۹۷	-۰/۸۷	۰/۳۲۹
فروش صادراتی	Forrev	۰/۰۲۹۲	۰/۰۱۱۲	۲/۶۱	۰/۰۱۰
سن شرکت	Age	-۰/۰۲	۰/۰۱۵۴	-۱/۳۲	۰/۲۰۸
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۴۵	۰/۰۶۳۶	۲/۲۸	۰/۰۲۳
شاخص جریان نقد	CFD	-۰/۰۱۶۲	۰/۰۸۵۳	-۰/۱۹	۰/۸۲۱
هزینه نمایندگی	QFCF	۰/۰۱۱۴	۰/۰۲۷۹	۰/۴۱	۰/۷۳۲
C		۰/۴۰۸	۰/۰۶۵۴	۶/۲۴	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۶۵ درصد			
آماره والد		۲۴۳/۲۶			
سطح معناداری		۰/۰۰۰۰			
آماره آزمون چاو	۷/۳۶	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰۰	نتیجه آزمون چاو	پذیرش الگوی داده‌های تابیلویی
آماره آزمون هاسمن	۱۵۴/۲۳	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۰۰	نتیجه آزمون هاسمن	اثرات ثابت عرض از مبدأ
آماره والد تعدیل شده	۴۹۰۴۶/۱۲	سطح معناداری والد تعدیل شده	۰/۰۰۰۰	نتیجه والد تعدیل شده	ناهمسانی واریانس
آماره وولدریج	۱۹/۴۲۳	سطح معناداری آماره وولدریج	۰/۰۰۰۰	نتیجه آماره وولدریج	وجود خودهمبستگی سریالی

با توجه به اینکه سطح معناداری در مدل کیفیت گزارشگری مالی کوتاری کمتر از ۵ درصد بوده و ضرایب مثبت است بنابراین فرضیه دوم این مدل پذیرفته می‌شود. به بیان دیگر بین

کیفیت گزارشگری مالی (کوتاری) و لحن گزارش‌های مالی مدیریت ارتباط مستقیم وجود دارد. همچنین با توجه به نتایج مدل ۳ مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون والد ریج کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی در این مدل می‌باشد، بدین ترتیب این مشکل در تخمین نهایی با اجرای دستور Auto Correlation رفع شده است.

جدول ۶. یافته‌های آزمون فرضیه دوم (مدل کازنیک)

متغیر وابسته: لحن گزارشگری مالی					
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری
کیفیت گزارشگری مالی	DD	۰,۱۶۹	۰,۰۵۴	۳,۱۴	۰,۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۳۴	۰,۰۰۴۱	۸,۲۳	۰,۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	OCF	-۰,۰۴۲	۰,۰۵۲	-۰,۸۱	۰,۴۱۳
نسبت مالی	TLSFU	۰,۰۰۴	۰,۰۰۴۸	۰,۸۶	۰,۳۸۹
فرصت‌های رشد	MBV	-۰,۰۰۰۵	۰,۰۰۵۱	-۰,۱۱	۰,۳۹۰
سود تقسیمی	DIV	-۰,۰۶۲	۰,۱۵۲	-۰,۴۱	۰,۳۹۹
فروش صادراتی	Forrev	۰,۰۴۲	۰,۰۱۳	۳,۲۴	۰,۰۲۷
سن شرکت	Age	-۰,۰۳۷	۰,۰۲۷۱	-۱,۳۶	۰,۲۸۵
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۰۴۴	۰,۰۶۷۷	۰,۶۵	۰,۰۳۷
شاخص جریان نقد	CFD	-۰,۰۳۳	۰,۰۸۹۱	-۰,۳۷	۰,۲۶۵
هزینه نمایندگی	QFCF	۰,۰۲۳	۰,۰۳۳	۰,۷۱	۰,۶۵۵
C		۰,۳۱۸	۰,۰۹۴	۳,۳۹	۰,۰۰۰
ضریب تعیین		۶۵ درصد			
آماره والد		۱۶۴,۵۸			
سطح معناداری		۰,۰۰۰			
آماره آزمون چاو	۷,۱۳۲	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰	نتیجه آزمون چاو	پذیرش الگوی داده‌های تابلویی
آماره آزمون هاسمن	۴۲,۱۴۵	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۰	نتیجه آزمون هاسمن	اثرات ثابت عرض از مبدأ

آماره والد تعدیل شده	۱۴۳۹۳٫۶۵	سطح معناداری والد تعدیل شده	۰/۰۰۰۰	نتیجه والد تعدیل شده	ناهمسانی واریانس
آماره وولدریج	۱۰٫۸۵۴	سطح معناداری آماره وولدریج	۰/۰۰۰۰	نتیجه آماره وولدریج	وجود خودهمبستگی سریالی

با توجه به اینکه سطح معناداری در مدل کیفیت گزارشگری مالی کازنیک کمتر از ۵ درصد بوده و ضرایب مثبت است بنابراین فرضیه اول برای این مدل نیز پذیرفته می‌شود و می‌توان بیان داشت، بین کیفیت گزارشگری مالی (کازنیک) و لحن گزارش‌های مالی مدیریت ارتباط مستقیم وجود دارد. همچنین با توجه به نتایج مدل ۴ مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون والدريج کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی در این مدل می‌باشد، بدین ترتیب این مشکل در تخمین نهایی با اجرای دستور Auto Correlation رفع شده است.

مدیران به منظور ایجاد چشم اندازی مثبت از وضعیت شرکت اقدام به دستکاری در اقلام تعهدی اختیاری می‌نمایند تا از این طریق ضمن حل مشکلات ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی، محتوای اطلاعاتی سود را به گونه‌ای مثبت به بازار ارائه نمایند (لوییز و رابینسون^۱، ۲۰۰۵). این در حالی است که استفاده اقلام تعهدی بالا در شرکت نشان از کیفیت پایین گزارشگری مالی شرکت‌هاست. با توجه به نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش می‌توان بیان داشت هرچه کیفیت گزارشگری مالی در سطح پایینی قرار داشته باشد، مدیران به منظور تهیه گزارش‌های سالانه شرکت از واژگان مثبت بیشتری استفاده می‌نمایند. در حقیقت مدیریت ادراک مخاطبان اطلاعات مالی را می‌توان، توصیفی از واکنش مدیران در جهت پوشش نتایج منفی بدست آمده دانست. بدین ترتیب به هر میزان که مدیران از اقلام تعهدی بالاتری استفاده نموده باشند، به منظور منحرف نمودن ادراک استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی، از واژگان مثبت بیشتری در گزارش‌های خود استفاده می‌نمایند و تاکید گزارش‌های منتشره را بر نتایج مثبت می‌گذارند.

۶-۲-۳- تحلیل نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

در فرضیه سوم پژوهش نقش میانجی‌گری کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین کیفیت حسابرسی و لحن گزارش‌های سالانه مدیران مورد بررسی قرار گرفت. جهت آزمون معناداری نقش متغیر میانجی بر اساس نتایج بدست آمده از برازش و نتایج مدل‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ از آزمون سوبل استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۷ ارائه گردیده است. بدین ترتیب تخمین ارتباط بین کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در مدل‌های کوتاری و کازنیک در مدل اول و دوم انجام گرفته و نتایج بیان داشتند بین این متغیرها ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

1. Louis & Robinson

باتوجه به جدول شماره ۳ (مدل کوتاری) و جدول ۴ (مدل کازنیک)، ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی به ترتیب ۲/۵۱ و ۲/۸۲ بدست آمد. از طرفی دیگر تخمین ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی در مدل‌های کوتاری و کازنیک با لحن گزارشگری مالی مدیران، در فرضیه دوم (مدل سوم و چهارم) انجام گرفته و وجود ارتباط مثبت و معنادار بین این دو متغیر نیز تایید شده است. بدین ترتیب باتوجه به جدول شماره ۵ (مدل کوتاری) و جدول ۶ (مدل کازنیک)، ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته به ترتیب ۱۰/۴۸ و ۳/۱۴ بدست آمد.

جدول ۷. یافته‌های آزمون فرضیه چهارم

نوع آزمون	مدل کوتاری		مدل کازنیک	
	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری
آزمون سوبل	۲/۴۴	۰/۰۱۴۶	۲/۰۹۸	۰/۰۳۵۸
آزمون آرویان	۲/۴۳	۰/۰۱۵۰	۲/۰۴۱۵	۰/۰۴۱۱
آزمون گودمن	۲/۴۵۱	۰/۰۱۴۲	۲/۱۵۹۵	۰/۰۳۰۸

در نهایت با توجه به اینکه آماره سوبل (مدل کوتاری) ۲/۴۴ و (کازنیک) ۲/۰۹۸ و سطح معناداری آنها کمتر از ۵ درصد (۰/۰۳۵۸، ۰/۰۱۴۶) است، بنابراین فرضیه سوم نیز پذیرفته می‌شود. یعنی اثر میانجی کیفیت گزارشگری مالی (کوتاری و کازنیک) بر ارتباط بین کیفیت حسابرسی و لحن گزارشگری مالی معنادار است. مطابق با جدول ۷ نتایج آزمون‌های دیگر نیز با وجود سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، بیانگر وجود رابطه مثبت نقش میانجی‌گری کیفیت گزارشگری مالی (کوتاری و کازنیک) در رابطه بین کیفیت حسابرسی و لحن گزارشگری مالی است.

۷- بحث و نتیجه‌گیری

بروز بحران‌های اقتصادی و رسوایی‌های مالی در دنیا، منجر به پر رنگ‌تر شدن نقش اساسی و مهم گزارش‌های مالی قابل اعتماد و با کیفیت شده است، که این موضوع می‌تواند نشان دهنده اهمیت کیفیت حسابرسی باشد (نبات دوست باغمیشه و محمدزاده سالطه، ۱۳۹۵) چرا که حسابرسی یکی از عوامل کاهش انگیزه فرصت طلبی مدیران در صورت‌های مالی شرکت است (چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ ودیعی نوقایی و همکاران، ۱۳۹۸). بدین ترتیب کیفیت خدمات حسابرسی به عنوان یکی از مهمترین فاکتورهای اجرای عملیات حسابرسی در مؤسسه‌های حسابرسی باید مورد توجه قرار گیرد، تا رسالت حسابرسی که اعتباردهی به صورت‌های مالی است در بالاترین سطح اطمینان انجام شود. در حقیقت هدف از حسابرسی را می‌توان کسب اطمینان معقول نسبت به نبودن کمترین اشتباه یا تحریفی با اهمیت در صورت‌های مالی و اظهار نظر نسبت به ارائه مطلوب

آن مطابق با استانداردهای حسابداری دانست. حسابرسان از طریق رسیدگی‌هایی خود می‌توانند موجب کاهش احتمال بروز عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و استفاده‌کنندگان از اطلاعات باشند (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). پالمروس بیان داشت که گزارش حسابرسی می‌تواند عاملی مهم در واکنش بازار محسوب گردد، اما این واکنش به میزان کیفیت حسابرسی به عمل آمده بستگی دارد (پیوت و جانین، ۲۰۰۷). شفافیت بیشتر از سوی حسابرسان می‌تواند یکی از راه کارهای مهم جهت ارتقا کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شود. اگر فرآیند حسابرسی به درستی انجام نگرفته و یا با کیفیت ارائه نگردد، نمی‌توان قابلیت اتکای اطلاعات را تایید نمود و این موضوع می‌تواند موجب زیان استفاده‌کنندگان از اطلاعات گردد، بدین ترتیب حسابرسی با کیفیت بالا موجب افزایش دقت اطلاعات گردیده و اعتماد استفاده‌کنندگان از اطلاعات را نسبت به وضعیت مالی و نتایج عملکرد مالی شرکت‌ها را افزایش می‌دهد. لذا در این پژوهش به بررسی تاثیر نقش میانجی کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و لحن گزارش‌های توضیحی مدیران پرداخته شد. با استفاده از داده‌های پنل، نمونه‌ای متشکل از ۱۱۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش، انتخاب گردید.

یافته‌های فرضیه اول پژوهش بیان می‌دارد میزان تحریفات کشف شده توسط حسابرسان (کیفیت حسابرسی) بر کیفیت گزارش‌های مالی ارائه شده شرکت تاثیرگذار می‌باشد. روشی موثر جهت کنترل بکارگیری اقلام تعهدی اختیاری توسط مدیریت، افزایش کیفیت حسابرسی خواهد بود، چرا که کشف تحریف‌های با اهمیت نقشی مهم در هشدار به استفاده‌کنندگان از اطلاعات نسبت به رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت دارد. بدین ترتیب فرض بر این است با افزایش میزان کشف تحریفات با اهمیت، تمامی اشکالات احتمالی با اهمیت در عملکرد شرکت کشف شده و گزارش‌های مالی عاری از خطا و اشتباه بوده که این موضوع حاکی از کیفیت بالا گزارش‌های مالی است. این موضوع ریسک هزینه سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری نادرست را کاهش داده و اعتماد استفاده‌کنندگان از اطلاعات را به همراه خواهد داشت. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های انجام گرفته توسط اسد و ترکی الشوری‌ده (۲۰۲۰)، صفری و همکاران (۲۰۱۱)، لاورنس و همکاران (۲۰۱۱) و ممشلی و کارشناسان (۱۳۹۸) مطابقت دارد.

در فرضیه دوم پژوهش مطرح گردید کیفیت گزارشگری مالی بر لحن گزارش‌های توضیحی مدیران تاثیر دارد. بدین ترتیب تاثیر کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از مدل کوتاری و کازنیک بر لحن گزارش‌های مالی مدیران مورد سنجش قرار گرفت. با توجه به سطح معناداری بدست آمده از مدل‌های کیفیت گزارشگری مالی کوتاری و کازنیک، فرضیه دوم پژوهش مورد پذیرش قرار گرفت. به بیان دیگر بین کیفیت گزارشگری مالی و لحن گزارش‌های مالی مدیریت ارتباط مستقیم وجود دارد. مطابق با تئوری علامت دهی مدیران شرکت‌ها به منظور حل مشکلات ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی، اقدام به دستکاری اقلام تعهدی اختیاری نموده، تا از این طریق محتوای اطلاعاتی سود را بهبود بخشیده و چشم اندازی مثبت از شرکت به بازار مخابره نمایند (لوپس

و رایبسنسون^۱، ۲۰۰۵؛ محمدرضائی و همکاران، ۱۳۹۶). از آنجایی که سطح بالای اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌ها نشان از کیفیت پایین گزارشگری مالی آنهاست، می‌توان بیان داشت، هرچه کیفیت گزارشگری مالی در سطح پایینی قرار بگیرد، مدیران جهت تنظیم گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره از واژگان مثبت بیشتری استفاده می‌نمایند و تاکید گزارش‌های منتشره را بر نتایج مثبت خواهند گذاشت. شاید انگیزه اصلی مدیران از انجام این کار، کنترل ادراک سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی شرکت باشد تا از این طریق ضمن ایجاد پوششی مناسب بر نتایج ضعیف احتمالی بدست آمده زمینه مدیریت تعارض در شرکت را مهیا نمایند.

در فرضیه سوم پژوهش نقش میانجی‌گری کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین کیفیت حسابداری و لحن گزارش‌های توضیحی مدیران مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب پس از سنجش ارتباط بین کیفیت حسابداری و کیفیت گزارشگری مالی و سنجش ارتباط کیفیت گزارشگری مالی و لحن گزارش‌های توضیحی مدیران و قرار دادن ضرایب مسیر متغیرها در آزمون سوبل و کسب سطح معناداری مناسب بین متغیرها، فرضیه سوم پژوهش مورد تایید قرار گرفت. بدین معنی که اثر میانجی کیفیت گزارشگری مالی (در هر دو مدل کوتاری و کازنیک) بر ارتباط بین کیفیت حسابداری و لحن گزارش‌های توضیحی مدیران معنادار است، بنابراین کشف تحریفات صورت‌های مالی از طریق تاثیر بر کیفیت گزارشگری مالی بر ارائه لحن گزارش‌های توضیحی مدیران اثرگذار است.

در مجموع می‌توان بیان داشت کیفیت حسابداری متغیری مهم و تاثیرگذار در جهت اعتباردهی به صورت‌های مالی و جلب اعتماد استفاده‌کنندگان از اطلاعات می‌باشد. همچنین کیفیت حسابداری بعمل آمده از طریق ارتقا کیفیت اطلاعات مالی منجر به بهینه شدن قیمت‌گذاری و پایین آمدن هزینه سرمایه می‌گردد. یافته‌های این پژوهش، موجب ارتقا و بسط ادبیات حوزه حسابداری خواهد بود، بدین ترتیب پیشنهاد می‌گردد مدیران بیش از پیش نسبت به سطح کیفیت اطلاعات ارائه شده حساس بوده و آن را از طریق بکارگیری حسابرسان با کیفیت کنترل نموده تا از این طریق اعتماد سرمایه‌گذاران را به خود جلب نمایند. نتایج این پژوهش موجب آگاهی استفاده‌کنندگان از اهمیت کیفیت حسابداری گردیده و پیشنهاد می‌گردد پیش از اخذ هرگونه تصمیم نسبت به گزارش‌های شرکت‌ها، از سطح کیفیت حسابداری بعمل آمده آنها اطمینانی معقول پیدا نمایند. همچنین به نهادها و سازمان‌های ذیصلاح توصیه می‌گردد سطح بندی از کیفیت حسابداری شرکت‌ها براساس معیارهای موجود اعلام نموده تا معیاری مفید در جهت اخذ تصمیمات سرمایه‌گذاری باشد. به منظور تکمیل نتایج پژوهش پیشنهاد می‌گردد رابطه میانجی کیفیت حسابداری بر سایر عوامل، همچون تغییرات قیمت سهام و تغییرات سود سهام شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. ابراهیمی کردلر، علی؛ جوانی قلندری، موسی (۱۳۹۵). تأثیر تخصص حسابرسان بر کیفیت سود و هم زمانی قیمت سهام. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۳(۲)، ۱۳۷-۱۵۴.
۲. اخگر، محمد امید، کرمی، افشار. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری، ۴۱(۱)، ۱-۲۲.
۳. امیرآزاد، میر حافظ؛ برادران حسن‌زاده، رسول؛ محمدی، احمد؛ تقی زاده، هوشنگ. (۱۳۹۷). مدل جامع عوامل موثر بر کیفیت گزارشگری مالی در ایران به روش نظریه‌پردازی زمینه بنیان. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۰(۴)، ۲۱-۴۲.
۴. انصاری، عبدالمهدی؛ دری سده، مصطفی؛ شیرزاد، علی (۱۳۹۲). بررسی تأثیر محافظه کاری بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، مدیریت واقعی سود و سطح کلی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۶(۴)، ۶۱-۷۸.
۵. بشیری منش، نازنین؛ پاکدل، ملیحه (۱۳۹۸). کیفیت گزارشگری مالی و بندهای تعدیلی حسابرسان. پژوهش حسابداری، ۱۹(۱)، ۶۷-۸۷.
۶. بهارمقدم، مهدی؛ قاندي‌ها، حمیدرضا (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و تغییر حسابرسان. دانش حسابداری، ۶(۲۰)، ۱۰۵-۱۲۱.
۷. پله، مولود؛ ایزدی نیا، ناصر؛ امیری، هادی (۱۳۹۸). بررسی تأثیر لحن گزارش‌های فعالیت هیئت‌مدیره بر عملکرد آتی شرکت‌ها مبتنی بر دو دیدگاه علامت‌دهی و رفتار فرصت‌طلبانه مدیران. فصلنامه دستاوردهای حسابداری ارزشی و رفتاری، ۴(۸)، ۱-۳۱.
۸. پورکریم، محمد؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ بحری ثالث، جمال؛ قلاوندی، حسن (۱۳۹۷). تأثیر مدیریت سود بر لحن گزارشگری مالی در نظام حسابداری ایران. فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۰(۳)، ۲۱-۴۴.
۹. پورکریم، محمد؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ بحری ثالث، جمال؛ قلاوندی، حسن (۱۳۹۷). تأثیر مدیریت سود بر لحن گزارشگری مالی در نظام حسابداری ایران. فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۰(۳)، ۲۱-۴۴.
۱۰. تقی زاده خانقاه، وحید؛ زینالی، مهدی (۱۳۹۴). نقش کیفیت گزارشگری مالی در کاهش اثرهای محدودکننده تقسیم سود بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲(۲)، ۱۶۱-۱۸۲.
۱۱. حساس یگانه، یحیی؛ یعقوبی منش، سارا (۱۳۸۲). تأثیر گزارش‌های حسابرسان بر قیمت سهام. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱(۳)، ۲۷-۵۹.
۱۲. رشیدی باغی، محسن (۱۳۹۸). نقش کیفیت حسابرسان و کیفیت اطلاعات حسابداری در تغییر قیمت‌گذاری عدم تقارن اطلاعاتی. دانش حسابداری مالی، ۶(۳)، ۱۶۷-۱۸۷.
۱۳. رضایی، فرزین؛ فیروز عزیززاده، اکرم؛ نورمحمدی، الهام (۱۳۹۹). رابطه توانایی مدیریت با اجزاء مدیریت ریسک یکپارچه. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲(۴۸)، ۲۳-۴۲.
۱۴. رضایی، مریم؛ عبدلی، محمدرضا؛ ولیان، حسن (۱۳۹۹). نقش الیناسیون رفتاری در تقویت لحن خوشبینانه گزارشگری مالی بر اساس نظریه نشانه شناسی سمبولوژی. مطالعات رفتاری در مدیریت، ۱۱(۲۲)، ۱-۱۸.
۱۵. رویایی، رمضانعلی؛ آذین فر، کاوه (۱۳۹۱). رابطه بین کیفیت حسابرسان و نوع صنعت. حسابداری مدیریت، ۵(شماره ۴ پیاپی ۱۵)، ۱۹-۳۰.
۱۶. رهنمای رود پشته، فریدون؛ نیکومرام، هاشم؛ نونهال نهر، علی اکبر (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیر رویکردهای قضاوتی و شناختی زبان در گزارش‌های توضیحی حسابداری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۹(۲)، ۴۷-۷۲.
۱۷. رحمانی، هژار؛ طالب نیا، قدرت اله (۱۳۹۲). رابطه بین نوع حسابرسان و نوع گزارش حسابرسان با شاخص مدیریت سود. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۵(۱۹)، ۲۳-۴۲.
۱۸. رمضان احمدی، محمد؛ جلالی، کامران؛ کرمانشاهی، بهنام (۱۳۹۴). پیامدهای اقتصادی اظهار نظر مشروط حسابرسان مستقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۴(۱۳)، ۶۷-۷۶.

۱۹. سجادی، سید حسین، دستگیر، محسن، حسین زاده، علی حسین، اخگر، محمد امید. (۱۳۹۱). بررسی شیوه‌های استفاده از اختیارات مدیریت در گزارشگری سودآوری آینده و تأثیر ویژگی‌های شرکت‌ها بر شیوه‌های استفاده از اختیارات مزبور. مجله دانش حسابداری، ۳(۸)، ۷-۳۰.
۲۰. صفری گرایلی، مهدی؛ دهقان، قربیا (۱۳۹۶). کیفیت حسابداری و ارزش‌گذاری بازار از نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها. حسابداری مدیریت، ۱۰(۳۲)، ۵۹-۷۰.
۲۱. صفری گرایلی، مهدی؛ رعنائی، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی با کارایی سرمایه‌گذاری و تأثیر ساختار سرسید بدهی‌ها بر این رابطه. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۵(۱)، ۸۳-۹۸.
۲۲. علوی طبری، سیدحسین؛ حاجی مرادخانی، حدیثه (۱۳۹۴). رابطه کیفیت حسابداری و نقد شوندگی سهام. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری، ۹(۱۹)، ۵۰۳-۵۳۸.
۲۳. علیخانی دهقی، حسین؛ ایزدی نیا، ناصر؛ کیانی، غلامحسین (۱۳۹۹). نقش مدیریت سود در شناسایی صورت‌های مالی متقلبان در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۸(۴)، ۲۱-۳۸.
۲۴. فخراری، حسین؛ قربانی، هادی؛ رجب بیکی، محمد علی (۱۳۹۷). پایداری و جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابداری و کیفیت گزارشگری مالی. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۰(۲)، ۲۲۱-۲۵۰.
۲۵. کرمی، غلامرضا؛ تحریری، آرش؛ داوری نژاد مقدم، اعظم (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری به منظور هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۸(۳۱)، ۶۱-۷۷.
۲۶. ممشلی، رضا، کارشناسان، علی (۱۳۹۸). تأثیر کیفیت حسابداری بر بیش‌اطمینانی مدیران و احتمال گزارشگری متقلبان: رویکرد چند بُعدی ترکیبی. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۸(۲)، ۱۶۹-۲۰۸.
۲۷. مهربان پور، محمدرضا؛ فرجی، امید؛ سجادیپور، رضا (۱۳۹۹). نقش میانجی کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد. بررسی‌های حسابداری و حسابداری، ۲۷(۱)، ۱۳۲-۱۵۳.
۲۸. محمدرضائی، فخرالدین، منطقی، خسرو، عباسی، اسماعیل (۱۳۹۶). بررسی اثر رکود تورمی بر مدیریت سود واقعی و تعهدی. حسابداری مدیریت، ۱۰(۳۳)، ۱۲۳-۱۳۸.
۲۹. مشایخی، بیتا؛ محمدپور، فرشاد (۱۳۹۳). کیفیت گزارشگری مالی سرسید بدهی و کارایی سرمایه‌گذاری. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد مدیریت مالی، ۲(۴)، ۱-۱۴.
۳۰. نونهال نهر، علی اکبر؛ علی نژاد ساروکلانی، مهدی؛ خضری، پریسا. (۱۳۹۲). ارزیابی تأثیر کیفیت حسابداری بر مدیریت سود در شرکت‌های تازه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری و حسابداری مدیریت، ۲(۷)، ۱۰۳-۱۱۴.
۳۱. نیکبخت، محمدرضا؛ شعبان زاده، مهدی؛ کنارکار، امین (۱۳۹۵). رابطه بین حق الزحمه حسابداری و تجربه حسابداری با کیفیت حسابداری. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، ۱۲(۱)، ۱۹۰-۲۰۸.
۳۲. واعظ، سیدعلی؛ آرمن، سیدعزیز؛ شبیه، سکینه (۱۳۹۷). کیفیت اطلاعات حسابداری و حق الزحمه غیرعادی حسابداری. نشریه دانش حسابداری، ۱۸(۷۳)، ۲۹-۵۳.
۳۳. وکیلی فرد، حمیدرضا؛ طالب نیا، قدرت اله؛ صباغیان طوسی، امید (۱۳۹۴). اثر کیفیت حسابداری بر اقلام تعهدی اختیاری و ارائه گزارش حسابداری مشروط. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری، ۸(۲۹)، ۹۷-۱۲۴.
۳۴. ودیعی نوقابی، محمدحسین؛ نوروزی، محمد؛ قدرتی زوارم، عباس؛ تیمورپور، سهیلا (۱۳۹۸). بررسی نقش تعدیل‌گر کیفیت حسابداری بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابداری و مدیریت سود. دانش حسابداری، ۱۹(۷۴)، ۱۰۷-۱۲۶.
۳۵. یعقوب نژاد، احمد، بنی مهد، بهمن، شکری، اعظم. (۱۳۹۱). ارائه الگو برای اندازه‌گیری مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۵(شماره ۱ (پیاپی ۱۲))، ۱-۱۶.

ب- منابع خارجی:

1. Assad, N., & Turki-Alshurideh, M. (2020). Financial Reporting Quality, Audit Quality, and Investment Efficiency: Evidence from GCC Economies. *Waffen-und Kostumkunde*, 11(3):194-208.
2. Biddle, G. C., Hilary, G., & Verdi, R. S. (2009). How does financial reporting quality relate to investment efficiency?. *Journal of Accounting and Economics*, 48(2), 112–131. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2009.09.001>
3. Bala, H., Amran, N., & H. Shaari. (2018). Audit Fees and Financial Reporting Quality: A Study of Listed Companies in Nigeria. *International Review of Management and Business Research*, 7(2), 483-490.
4. Biddle, G. C., Hilary, G., & Verdi, R. S. (2009). How does financial reporting quality relate to investment efficiency?. *Journal of Accounting and Economics*, 48(2), 112–131. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2009.09.001>
5. Chan, K. H., Lin, K. Z., Mo P. L-l. (2006). A political-economic analysis of auditor reporting and auditor switches. *Review of Accounting Studies*, 11(1), 21–48.
6. Chen, H., J. Z. Chen, & G. J. Lobo (2010). "Effects of Audit Quality on Earnings Management and Cost of Equity Capital: Evidence from China", *Contemporary Accounting Research*, 28(3), 892-925
7. Clinch, G., Stokes, D.J. and Zhu, T. (2010). Audit Quality and Information Asymmetry Between Traders. *Accounting and Finance*, Forthcoming, *Accounting & Finance*, 52,35(3): 743-76.
8. Clatworthy, M. and Jones, M.J. (2003). "Financial reporting of good news and bad news: evidence from accounting narratives", *Accounting and Business Research*, 33 (3): 171-185.
9. Davidson, R.A. & Neu, D. (1993). A Note on the Association between Audit Firm Size and Audit Quality. *Contemporary Accounting Research*, 9(2), 479-488.
10. Davis, A. K., J. M. Piger, & L. M. Sedor. (2012). Beyond the numbers: Measuring the information content of earnings press release language. *Contemporary Accounting Research*, 29(3), 845–868.
11. Davis, A. K., Piger, J. M., & Sedor, L. M. (2012). Beyond the numbers: Measuring the information content of earnings press release language. *Contemporary Accounting Research*, 29(3), 845–868. <https://doi.org/10.1111/j.1911-3846.2011.01130.x>
12. DeAngelo, L. (1981), Auditor Size and Audit Quality, *Journal of Accounting and Economics*, 3, 297–322.
13. DeFond, M. & Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*. In Press, doi:10.1016/j.jacceco.2014.08.007.
14. Financial Reporting Council, (2016). International standard on auditing (UK) 720. The auditor's responsibilities relating to other information. Available at [https://www.frc.org.uk/getattachment/11b5e047-a2d7-4674-8281-cc57ec3d5e66/ISA-\(UK\)-720_Revised-June-2016.pdf](https://www.frc.org.uk/getattachment/11b5e047-a2d7-4674-8281-cc57ec3d5e66/ISA-(UK)-720_Revised-June-2016.pdf)
15. Gaynor, Lisa Milici. Seaton Kelton, Andrea. Mercer, Molly.(2016). Understanding the Relation between Financial Reporting Quality and Audit Quality. *American Accounting Association*.
16. Gul, F.A., Sami, H., Zhou, H. (2009). Auditor disaffiliation program in China and auditor independence. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 28(1), 29–51.
17. Gramling, A., Stone, D. (2001). Audit firm industry expertise: A review and synthesis of the archival literature. *Journal of Accounting Literature*, 20, 1-29.
18. Hales J, Xi (Jason) K., & Venkataraman S. (2011). Who believes the hype? An experimental examination of how language affects investor judgments. *Journal of Accounting Research*; 40(1): 223-255.

19. Henry, E. (2008). Are investors influenced by how earnings press releases are written? *The Journal of Business Communication*, 45(4), 363–407. <https://doi.org/10.1177/0021943608319388>
20. Hales J, Xi (Jason) K., & Venkataraman S. (2011). Who believes the hype? An experimental examination of how language affects investor judgments. *Journal of Accounting Research*; 40(1): 223-255.
21. International Federation of Accountants. (2012). International standard on auditing (ISA) 720 (revised): The auditor's responsibilities relating to other information in documents containing or accompanying audited financial statements and the auditor's report thereon Available at <https://www.ifac.org/system/files/publications/files/ISA-720-The-Auditor%27s-Responsibilities-Relating-to-Other-Information-in-Documents.pdf>.
22. Jensen M, & Meckling, W., (1976). Theory of firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*. 305-360.
23. Kasznik, R., (1999). On the association between voluntary disclosure and earnings management. *Journal of Accounting Research* 37, 57-81.
24. Kothari, S.P., A.J. Leone, & C.E. Wasley.(2005). Performance matched discretionary accruals measures. *Journal of Accounting and Economics*. 39. 163-197.
25. Lawrence, A., Minutti-Meza, M., & Zhang, P. (2011). Can Big 4 versus NonBig 4 Differences in Audit-Quality Proxies Be Attributed to Client Characteristics? *The Accounting Review*. 86 (1), 259.
26. Lustgarten, S. & Shon, J. (2012). Do abnormal accruals affect the life expectancy of audit engagements?. *Review of Quantitative Finance and Accounting*. 40(3). 443–466
27. Loughran, T. & McDonald, B. (2011). When is a liability not a liability? Textual analysis, dictionaries, and 10-Ks. *Journal of Finance*, 66 (1), 35–65.
28. Louis, H., Robinson, D. (2005). Do managers credibly use accruals to signal private information? Evidence from the pricing of discretionary accruals around stock splits. *Journal of Accounting and Economics*, 39(2), 361–380
29. Li, F. (2008). Annual report readability, current earnings, and earnings persistence. *Journal of Accounting and Economics*, 45(2), 221–247. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2008.02.003>
30. Merkl-Davies, D., & Brennan, N. (2007). Discretionary disclosure strategies in corporate narratives: Incremental information or impression management? *Journal of Accounting Literature*, 26: 116–196.
31. Melloni, G., Stacchezzini, R., & Lai, A. (2016). The tone of business model disclosure: an impression management analysis of the integrated reports. *Journal of Management & Governance*, 20(2), 295–320.
32. Mitra, S., Deis, D. R., & Hossain, M. (2009). The association between audit fees and reported earnings quality in pre- and post- Sarbanes-Oxley regimes. *Review of Accounting and Finance*, 8(3), 232–252.
33. Pomeroy, B. R., & Thornton, D.A. (2008). Meta-analysis and the accounting literature: the Case of audit committee independence and financial reporting quality. *European Accounting Review*, 17, 305-330
34. Piot, C. & R. Janin, (2007), External auditors, audit committees and earnings management in France, *European Accounting Review*, 16 (2). 429-454, 2007.
35. Public Company Oversight Board (2013). PCAOB Release No. 2013-005. https://pcaobus.org/Rulemaking/Docket034/Release_2013-005_ARM.pdf.
36. Salehi, M., Jafarzadeh, A. & Nourbakhshhosseiny, Z. (2017), "The effect of audit fees pressure on audit quality during the sanctions in Iran", *International Journal of Law and Management*, 59(1). 66-81. <https://doi.org/10.1108/IJLMA-10-2015-0054>
37. Safari, M., Momeni, A, & Maatoofi, A.R. (2011). Impact of audit quality on earnings management. *International Research Journal of Finance and Economics*, (66), 77-84

38. Schlenker, B. R. (1980). Impression management: The self-concept, social identity, and interpersonal relations. Monterey/California: Brooks/Cole.
39. Wolfe, D., & Hermanson, D.R. (2004). The Fraud Diamond: Considering Four Elements of Fraud. CPA Journal, 38–42.
40. Yang, R., Yu, Y., Liu, M., & Wu, K. (2018). Corporate risk disclosure and audit fee: A text mining approach. The European Accounting Review, 27(3), 583–594. <https://doi.org/10.1080/09638180.2017.1329660>
41. Yasser, S., & Soliman, M. (2018). The Effect of Audit Quality on Earnings Management in Developing Countries: The Case of Egypt. International Research Journal of Applied Finance. 4. 216-231